

۱) واژه‌شناسی

تقویم، از ماده قوم، در لغت به معنای تصحیح کردن است و معانی اصطلاحی متعددی دارد (نک: ابن‌منظور، ذیل «قوم»). از جمله معانی تقویم در زبان فارسی اینهاست: «زمان وقوع پدیده یا حادثه‌ای نسبت به یک مبدأ معین» (معادل واژه تاریخ در همین معنی) و نیز «دفتری (خطی یا چاپی) حاوی اطلاعات زمانی - نجومی یک دوره یک ساله». در این مقاله، برای مفهوم نخست از واژه گاه‌شماری، و برای مفهوم دوم از واژه گاهنامه/تقویم استفاده شده است.

واژه تقویم، در معنای گاه‌شماری آن، به معنای تعیین موضع حقیقی خورشید بر دایره‌البروج در مواقع گوناگون سال است، که رکن اصلی استخراج گاهنامه/تقویم بوده است. بر این اساس، یافتن محل خورشید، «تقویم الشمس» و این جایگاه «مقوم‌الشمس» نامیده می‌شد (د. اسلام، چاپ دوم، ج ۱۰، ص ۱۴۵). به نوشته ابوریحان بیرونی (۱۹۳۴، ص ۱۸۶)، گاهنامه/تقویم بدین سبب «تقویم» نامیده می‌شود که اطلاعات موجود در آن تأیید و تصحیح شده است. ریشه واژه تقویم عربی است و ناظر به هیچ موقعیت نجومی - آسمانی نیست و معادل آن در عبری لوح (Lu' ah) است که تقریباً هم معنای لوح عربی است اما واژه تاریخ به ریشه‌ای مشترک در زبانهای سامی می‌رسد. در عبری این ریشه یارح (yareah) به معنای ماه (قمر زمین)، و یرح (yerah) به معنای یک دوره ۲۹ یا ۳۰ روزه گردش ماه به دور زمین (یک ماه؛ در عربی: شهر) است (د. اسلام، چاپ دوم، ج ۱۰، ص ۲۵۸؛ د. جودائیکا، ج ۱۲، ستون ۲۹۱).

در زبانهای فارسی میانه، از جمله در پهلوی (نک: مشکور، ص ۱۰۶) و سغدی (نک: قریب، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۰۹، ۴۴۸)، نیز برای بیان معانی گوناگون و مرتبط با «ماه» از هزوارش‌های هم‌ریشه با یرح استفاده می‌شده است. این بحث که واژه تاریخ از تصحیف و تعریب واژه ترکیبی «ماه‌روز» فارسی پدید آمده و نویسندگان بسیاری (مثلاً حمزه اصفهانی، ص ۱۲؛ کافجی، ص ۵۵۱؛ ابوریحان بیرونی، ۱۹۲۳، ص ۲۹؛ سخاوی، ص ۱۵) آن را ذکر کرده‌اند، ریشه‌شناسی عامیانه، و بی‌اعتبار است (د. اسلام، همانجا). با توجه به ریشه‌شناسی واژه تاریخ، به کارگیری این واژه از سوی نویسندگان دوره اسلامی، نشان می‌دهد که نخست به معنای «بررسی دستگاههای تقسیم زمان» به کار می‌رفته و سپس گسترش معنایی یافته و به معنای «علم‌تاریخ» به کار رفته است. بسیاری از این نویسندگان، در تعریف تاریخ، هر دو معنی را در نظر داشته‌اند. محیی‌الدین محمدبن سلیمان کافجی (۷۸۸-۸۷۹)، که بحث مستوفایی در تعریف علم تاریخ (زمان سنجی) دارد، بیشترین و مفصلترین نظر را در تعریف واژه تاریخ (نک: ص ۵۴۷-۵۷۲)، در هر دو معنی، عرضه کرده است (برای بحث بیشتر در باره تطور معنایی واژه تاریخ (نک: روزنتال، ص ۱۳-۱۷؛ احمد رمضان احمد، ص ۱۵-۲۳). در بعضی سنگ‌نوشته‌های باقیمانده به عربی، در شبه‌جزیره عربستان متعلق به پیش از اسلام، واژه تاریخ به معنای «ماه» (دوره گردش ماه به دور زمین) به کار رفته است (جوادعلی، ج ۸، ص ۵۱۳).

در عین حال، باید توجه داشت که مسلمانان، تا پیش از وضع گاه‌شماری هجری قمری، از واژه عَدَّ نیز برای شمارش روزها و تعیین تاریخ استفاده می‌کرده‌اند (برای آگاهی از حدیثی به روایت سهل‌بن سعد که متضمن استفاده از این واژه به معنای تاریخ است (نک: بخاری جعفی، ج ۱۵، ص ۱۴۲).

در ۱۳۱۶ ش، سید حسن تقی‌زاده در نخستین چاپ کتاب‌گامشماری در ایران قدیم (نک: ج ۱۰، ص ۱، پانویس ۱)، برای جلوگیری از خلط معانی گوناگونی که واژه تاریخ در زبان فارسی دارد، واژه گامشماری را برای دانش شناسایی زمان و وقت (معرفه المواقیت) وضع و پیشنهاد نمود. بر این اساس، واژه‌های گاهنامه و گامشمار نیز در زبان فارسی ابداع و رایج شدند.